

کتاب

اصحاب استجاره و مسجد سہلہ

{ کرم آیت الله شیخ محمد تقی بهجت و عمل استجاره در مسجد سهله

❖ مرحوم آیت الله جاج شیخ محمد تقی بهجت فومنی {۱۳۳۴-۱۴۳۰ هـ ق} (مرجع تقلید)، از تلامذه آیات کرام: مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی، مرحوم آقا ضیاء عراقی، مرحوم میرزای نایینی، مرحوم حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، مرحوم بروجردی، و مرحوم حجت، بودند، مرحوم بهجت بر عمل **استجاره** و زیارت **مسجد سهله** بسیار مواظبت داشتند.

👉 از کلام مرحوم آقای بهجت: خدا می داند چه کراماتی از علماء در دو **مسجد سهله** و کوفه ظاهر و کشف شده بود؛ که اهل علم نجف، به آن دو مسجد اقبال داشتند. آن تعبه‌ها ناشی از واقعیاتی بود؛ که از آن جا نشأت می گرفت.



👉 مرحوم آیت الله سید عبدالکریم کشمیری نقل می کردند: ما با آقای بهجت شبهای جمعه به **مسجد سهله** می رفتیم. من ده، چهارده سال از ایشان کوچکتر بودم. بعضی اوقات شبها می خوابیدم، ولی آقای بهجت شب را به عبادت و سجد مشغول بود، و سحر مرا بیدار می کرد، می دیدم رنگش زرد بود. ایشان حدود دو سال صمت مطلق داشت، و هیچ حرفی نمی زد.

مرحوم آیت الله بهجت ایام مسجد سهله

👉 آیت الله شیخ عباس قوچانی، وصی مرحوم آیت الله میرزا علی آقای قاضی؛ نقل می کند که: آیت الله شیخ محمد تقی بهجت فومنی (در ایام اقامتشان در نجف ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۴ هـ ق) بسیار به **مسجد سهله** می رفتند، و شبها تا صبح به تنهایی در آن جا بیتوته می کردند. یک شب بسیار تاریک؛ که چراغی هم در مسجد روشن

نبود، در میانه شب؛ احتیاج به تجدید وضو پیدا کرده، و برای تطهیر و وضو؛ به ناچار می بایست از مسجد بیرون رفته، و در محلّ وضوخانه (که بیرون مسجد در سمت شرقی آن واقع است) وضو بسازند، ناگهان (بخطرات نا امنی های آن زمان) مختصر خوفی در اثر عبور این مسافت؛ و در ظلمت محض و تنهایی؛ در ایشان پیدا می شود، به مجرد این خوف؛ ناگهان نوری همچون چراغ در پیشاپیش ایشان پدیدار می شود، ایشان با آن نور خارج می شوند، و تطهیر نموده، و وضو می گیرند، و سپس به جای خود بر می گردند، و در همه این احوال، آن نور در برابر ایشان حرکت می کرده؛ تا اینکه به محل خود می رسند، آن نور ناپدید می شود.

❦ یکی از علمای بزرگ نجف؛ به نام آیت الله شیخ عباس قوچانی؛ در مورد آیت الله بهجت؛ گفته بود که: خداوند در جوانی ۲۰ مقام بزرگ را به ایشان عطا کرده، ولی چه کنم که با ایشان عهد دارم؛ نگویم. فقط یکی از آنها که مردم می دانند این است که برای ایشان؛ پیش رو و پشت سر فرقی نداشت. یکی دیگر از این مقامات؛ طی الارض ایشان بوده، که در واقعه ای مربوط به **مسجد سهله** آشکار می شود، آیت الله حاج شیخ علی قرنی نقل کرده است: من و آیات سید مهدی روحانی و شیخ احمد آذری قمی و آقا شیخ حسین توسّلی در نجف، در درس کفایة آقای بهجت شرکت می کردیم. آشنایی ما با ایشان، از آن زمان است. در زمانی که در نجف، مشغول تحصیل بودم، پدرم، آخوند ملا ابراهیم، برای زیارت، به نجف آمد. چند روزی در نجف بود، و پس از آن، با هم به کربلا رفتیم. یک شب در حرم امام حسین علیه السلام مشغول زیارت بودم؛ که ناگهان یادم افتاد؛ که عهد کرده ام **چهل شب چهارشنبه**، به **مسجد سهله** بروم، و تا آن وقت، سی و دو شب رفته بودم. متأثر شدم که چرا صبح، متوجّه این مطلب نشده ام؛ تا بتوانم به عهد خود، عمل کنم، و اکنون باید مجدداً این برنامه را از ابتدا آغاز نمایم. در این

فکر بودم که دیدم آیت الله بهجت در قسمت بالاسرِ ضریح امام حسین علیه السلام نشسته، و مشغول زیارت و عبادت است. خدمت ایشان رفتم، و سلام کردم. فرمود: آقای قرنی! چیه؟ تو فکری؟ می خواهی به **مسجد سهله** بروی؟ توجه نکردم که ایشان از کجا فهمید که من در فکر **مسجد سهله** ام؟ عرض کردم: بله! و موضوع عهد خود را توضیح دادم. فرمود: برو، پدرت را بگذار در مدرسه، و بیا! من اینجا منتظر شما هستم. پدرم در حرم بود. ایشان را به مدرسه بردم. شام را تدارک دیدم، و به پدرم گفتم: شما شام را میل کنید، و استراحت نمایید. گویا استادم با من کاری دارد، من مجدداً به حرم امام حسین علیه السلام بازی گردم. سپس به حرم بازگشتم، و خدمت آیت الله بهجت رسیدم. ایشان فرمود: می خواهی به **مسجد سهله** بروی؟ گفتم: آری، خیلی مایلیم. فرمود: بلند شو همراه من بیا. و دست مرا در دست خود گرفت. همراه ایشان از حرم امام حسین علیه السلام بیرون آمدیم، و از شهر خارج شدیم. ناگاه، به صورت معجزه آسا خود را پشت دیوارهای شهر نجف دیدیم. و از پشت شهر، به سمت سهله رفتیم، وارد **مسجد سهله** شدیم، و نماز تحیت و نماز امام زمان علیه السلام را در معیت آن بزرگوار خواندم. پس از آن، آیت الله بهجت فرمود: می خواهی نجف بمانی؟ یا به کربلا برگردی؟ عرض کردم: پدرم کربلاست، و او را در مدرسه گذاشته ام، باید به کربلا برگردم. فرمود: مانعی ندارد. و مجدداً دست مرا گرفت. دستم در دست آن بزرگوار بود که خود را در بالاسرِ امام حسین علیه السلام دیدم. در پایان این ماجرا، آیت الله بهجت فرمود: راضی نیستم که تا زنده ام، این جریان را برای کسی بازگو نمایی.



﴿ التزم آیت الله علیاری بر عمل استجاره در مسجد سهله ﴾

❖ مرحوم آیت الله میرزا علی علیاری (مرجع تقلید) {۱۳۱۹-۱۴۱۷ هـ.ق} از شاگردان آیات کرام مرحومین: آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی، میرزای نایینی، حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، و آیت الله قاضی بودند.

﴿ مرحوم آیت الله علیاری نقل می کند: (اوایل) زمانی که در نجف بودم قصد کردم تا چهل شب چهارشنبه به مسجد سهله بروم، تا شرف دیدار حضرت حجت علیه السلام نصیبم شود، روز چهارم که می خواستم بروم، چنان بیمار شدم که قادر به راه رفتن نبودم. حدود ساعت یازده (قبل از ظهر) آقای قاضی به دیدنم آمد، نشست، و فرمود: میرزا علی! با زور نمی شود امام زمان علیه السلام را ملاقات کرد! صفای قلب می خواهد! و بعد بلند شد، و رفت، و حال آنکه کسی از قصد و نیت من آگاه نبود.

یا صاحب الزمان
انی مستحیرک فاجبرنی

پژوهشگردها و آموزشگردهاى بنياد حيات اعلى

علوم معرفت الهى - علوم زبان وحى - علوم كلام وحى

علوم تلاوت كلام وحى - علوم كلام خازنان وحى - علوم فقه آئين الهى

علوم تقويم نجوم تخيم - علوم طب جامع - علوم پاكزيستى

آموزش برتر (اعلى) - علوم برتر (اعلى) - علوم توانمندى بانسروى الهى

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناسى - رسانه هاى حيات اعلى

طرح و برنامه ريزى پژوهشى و مديريت و اشراف علمى

دارالمعارف الإلهية

نشر ششم: يازدهم جمادى الآخري ١٤٣٧

www.Aelaa.net

aelaa.net@gmail.com

والحمد لله رب العالمين